

امانهای انسانی و عدالت اجتماعی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

سخنرانی آیة‌الله‌طالب‌القانی در تاریخ ۲۳ رمضان ۱۳۹۹ (روز قدس) برابر با ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۸، در استادیوم انقلاب (ورزشگاه آزادی) در مهمنی افطار شهرداری تهران و با حضور نمایندگان مردم از سراسر شهر تهران.



كتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ - الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى السَّرَاءِ وَالصَّرَاءِ وَتَشْكِرَةُ
عَلٰى تَعْمَاقِهِ وَالْأَعْمَمِ. الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبَيْنَ أَعُوْذُ بِاللّٰهِ
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْتُوا الْأَمَانَاتِ إِلٰي أَهْلِهَا وَإِذَا
حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّٰهَ يُعِظُّكُمْ بِهِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ
سَمِيعاً بَصِيرَاً . نَسَا / ٥٨

هرفرد انسانی امانتی است در اجتماع

دو جمله است، در این آیه، دو هشدار است، دو پندار است: نخست آنکه فرد شما مسلمان‌هاي مسؤول، **ما** موزيدکه امانتها را به‌اهلش بازگردانيد. دیگر اینکه در قضاوت‌های خود و حکمیت‌های در میان افراد، گروهها، اختلافات، به‌عدالت حکومت کنید. در بین همه عوامل، و موازین و مواردی که بر سرتاسر قرآن بیان شده، خصوصیتی در این دو امر و مسؤولیت در بی آن آمده که در دیگر اوامر و نواهی نمی‌یابیم. یعنی این دو مساله، این دو مسؤولیت یکی بازگرداندن "امانت" به‌اهلش و دیگر، قضاوت و حکومت به‌عدل می‌فرماید: خدا خوب به‌شما پند می‌دهد. خداوند از این دو پند از پند و فرمان خودش تحسین کرده است. این دو مساله اگر مقداری از هم باز بشود، بسط پیدا کند و درست مثل همه تعالیم اسلام و قرآن با

ابعاد مختلف آن را دریابیم، آنوقت می‌توانیم بفهمیم که خداوند چگونه از این موضعه خود تحسیل، مهندست کند.

إِنَّ اللَّهَ يُعْلَمُ بِصَبَرَادِ مرحله ابتدایی و نظر وسیع و عمومی وقتی می‌فرماید ((إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْتُوا الْأَمَانَاتِ إِلَيْ أَهْلِهَا)) روی همین روابط معمول و عمومی خیال می‌کنیم که منظور از امانات همین اامانتهای معمولی است که، کسی نزدکسی امانت می‌گذارد، مالش را، خانه‌اش را زندگیش را، و بعد می‌فرماید: امانات را به‌آهلهش برگردان و در مسأله وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعُدْلِ گمان می‌کنیم که فقط در اختلافات قضایی است، حقوقی است که اگر اختلافی پیش آمد، به عدالت حکمیت کنید، این مطلب فوق العاده‌ای نیست که خداوند بیان می‌کند، رد امانات، قضاوت به حق و عدل از مسائلی است که همه‌ادیان، همه مردم دنیا، طالبی هستند و در جستجوی آن هستند و همه هم بهم امر می‌کنند.

ولی وقتی که بیشتر توجه کنیم بر مبنای امانات و برگرداندن امانات به‌آهلهش، نه به صاحبانش تنها اگر مالی را نزدکسی به‌امانت‌گذارند می‌گویند این امانت را به صاحبیش برگردان، قرآن می‌گوید به‌آهلهش برگردان، اگر تنها در مسأله قضاوت بود خطاب به عموم نباید باشد. عده‌ای هستند در همه مجمع‌های مردم، که به عنوان قاضی هستند. با اینکه خطاب این دو مطلب در این آیه، به همه مردم است، مسوئولیت عمومی است. پس باید تجدید نظر می‌کنیم.

در معنای امانات و اهل امانات با این تذکر و توجه اجمالی که هر انسانی، هر فردی، در هر مجتمعی مشترکاتی دارد، با همه انسانها و افرادی که در آن مجتمع به سرمی برند و خصوصیات فردی هم هست. به اصطلاح هر کسی توانی، ذوقی، تخصصی یا بطور فطری، یا به طور اکتسابی برای فردی است یا افرادی است که برای افراد دیگر نیست. همانطوری که در کلاسها بین شاگرد های مدارس ابتدایی و متوسطه و دانشگاهی به تدریج معلومات و

در سهای روی ذوقهای مختلف و در یافتهای مختلف تقسیم می‌شوند. بعضی‌ها ذوق ریاضی دارند ولی در مسائل دیگر، ادبی، حقوقی، ذوقی ندارند و یا به عکس، به همان سمت پیش می‌روند. از لطف خداوند و دست قدرت، در یک روز و یک شبی که از عمر زمین می‌گذرد و موالید از عالم ارحام به زمین نزول می‌کنند، همه زن نیستند و همه مرد نیستند با یک حساب متعادلی یک تعداد زن یک تعداد مرد.

همینطور چون انسان اجتماعی است، در کارهای اجتماعی و وظایف و مسوئولیت‌ها، افرادی روی همان قانون کلی دارای تخصص و ذوق فطری یا اکتسابی خاصی هستند. پس این خصوصیت، این خصوصیت فکری، هنری که بعداً به صورت اکتسابی در می‌آید. این فرد با این خصوصیات یک امانتی است در میان اجتماع. و اگر این فرد را از آن کاری که دست تقدیر، باقطع نظر از مشترکات، برای آن کار ساخته از آن کار بردارند و به کار دیگر بره. گمارند، این امانت را از اوسلب کرده‌اند. حقش را بمنداده‌اند. در یک نظام سالم اجتماعی، نظام آزاد، نظام الهی، نظام اسلامی باید افراد هر کدام به جای خودشان قرار بگیرند. همانطوری که بارها در معنای "قسط" من این مطلب را بیان کرده‌ام که یکی از معانی "قسط" همین است که هروظیفه و مسوئولیتی که فراخور هر کسی است باید به او واگذار بشود. این به عکس یک یک‌نظام و اژگون استبدادی است. که مهمترین مسئله در نظام استبدادی همین است که ناشایست را به جای شایسته می‌گذارند در همهٔ شوءون اجتماعی چون معیار تقرب به طاغوت است، و فرمانبری و تواضع به او تخصوصیات و شخصیت، مناط نیست. هر کس عبودیت و فرمانبریش بیشتر، او را بالا می‌برند. و هر کس شخصیت دارد، مقاوم است، فرمانبر و چشم و گوش بسته نیست می‌خواهد حیثیت انسانی خودش را حفظ کند، کلاهش پس معرکه است در بین ارتشی‌ها، در بین سیاستمدارها، دانشگاهی‌ها، کاسب‌ها، هر کدام اتاق اصناف تصویب کرد، برای اینکه بیشتر تعلق می‌گویند هورا می‌کشد،

تأثیید می‌کنند، یک آدمی که اساساً "شاید از تجارت هم، سرشناس نداشته باشد، اورامی گذاشتند رئیس اصناف. یکارتشی که فقط متعلق می‌گوید و حاضر است برای نگهداری یک مستبدی همه جور از خود گذشتگی داشته باشد و در مقابل مردم بایستد، گرچه در جنگ شجاعتی هم نداشته باشد، او باید مقامش بالا بزود، به قول آن شاعر عرب که می‌گوید:

أَسْدٌ عَلَيْهِ وَبِالْحُرُوبِ نَعَامَةٌ

آن زن عرب به قدر زندانش می‌گوید شما که دائماً "به من پرخاش می‌کنید ولی در جنگ که درگیر می‌شوید. شتر مرغ هستید مثل بسیاری از ارشی‌های رضا شاهی ما و شهریور بیستی ما، و بعد هم تا این اواخر، که امیدواریم دیگر این جور ارتضی ما نداشته باشیم، و همین‌طور در دانشگاه، آن‌کسی که متعلق است آن‌کسی که شناگو است، آن‌کسی که خودش را فروخته، معلوماتش را فروخته، او باید رئیس دانشکده‌ها یمان باشد، این نظام واژگون است و آن‌کسانی که اهل تحقیق هستند، تفکر دارند، مبتکر هستند، باید استعدادها یشان و خودشان عقب رانده شوند.

پس همانطوری که در یک نظام استبدادی همه‌چیز جایش عوض و جایه‌جا می‌شود. ناشایسته‌ها جای شایسته‌ها را می‌گیرند، شایسته‌ها هم که برکارند. در یک نظام طبیعی الهی، باید هر شایسته‌ای به جای خودش باشد.

در نظام الهی هرفرد باید در جای خودش قرار بگیرد این مسائل‌های است که از جنبه اجتماعی و یک مجتمع سالم شاید از بیشتر مسائل باید بیشتر مورد توجه ما باشد، اگر یک رئیس اداره، اگر یک پلیس، اگر یک وزیر که بارها گفتم تشخیص داد که دیگری بهتر می‌تواند در شرایطی کار کند، براو لازم است که جایش را عوض کند، همینطور مدیر یک اداره، همینطور مدیر یک کارخانه، همینطور مدیر یک واحد صنعتی یا

واحد راعی یا واحدهای دیگر. این نظام صحیح طبیعی الهی است. و ما امیدواریم که این مسأله مورد اهتمام همهٔ ما قرار بگیرد. چه بسا مردمانی در میان همین توده‌های مردم، ناشناخته هستند که فعالیت، قدرت ابتکار، کارشان، پیشبرد کارشان از خیلی از اینهای که از مقامات بالاتر هستند پیشتر هستند، آنها باید بیایند بالا همانطوری که علی درابتدا خطبه‌اش فرمود:

((وَلَتُغَرِّ بُلْنَ غَرَبَةً))

در نظام سابق واژگونه بود، متملق‌ها، چپاولگرها، اطراف خلیفه را گرفته بودند، همهٔ آمده بودند بالا، شایسته‌ها، مجاهدها، پیشوونی که از صحنهٔ بزرگ پیغمبر بودند، عقب بودند، امیر المؤمنین می‌گوید اینها باید زیر و رو بشوند، پائینی‌ها بیایند بالا، بالائی‌ها بیایند پائین، عقب مانده‌ها بیایند جلو، آنها که جلو هستند بیایند عقب برای اینکه کاروان اجتماع همانگ بشود، نه اینکه عده‌ای جلو بروند و همهٔ امتیازات و همهٔ چیز را داشته باشند و عده‌ای دیگر هیچ چیز نداشته باشند.

اگر نظام ما نظام اسلامی است **باید و حق انتقام** را اینها داشته باشند و امیدواریم که باشد. در عین اینکه من به‌این دولت همه‌گونه اعتماد دارم چون اغلب افرادش از شخص آقای مهندس بازرگان حفظه‌الله تعالیٰ، تا دیگر وزراء ازدستان چندین سالهٔ من هستند و به همهٔ ایشان هم اعتماد دارم. ولی مردم به‌من شکایت می‌کنند، می‌گویند کارهادرست پیش نمی‌رود. مردم منتظر بودند که کشاورزی ما از امسال بهار یک تحولی در آن ایجاد بشود، قنات‌ها لا یروبی بشود، چاه‌ها و زمین‌های بایر چرا لنگ است، با همهٔ حسن‌نیت شان. و همینطور سایر قشرها، اعتراض می‌کنند، شاید دسترسی نداشته باشند، ولی من بواسطهٔ اینکه از این دولت همیشه دفاع کرده‌ام و خواهم هم کرد در معرض انتقاد هم هستم. از آقایان رفقا هم جواب درستی

نمی شنوم . گرفتار کاغذ بازی هستند ، گرفتار تشریفات هستند ، اگر چنین بشود ، چنان خواهد شد و اگر چنان بشود چنین خواهد شد ، که وقت می - گذرد برادر . ولی بازاینها همه مقدمه بود برای گریزی برای افطاری که آقای مهندس توسلی دادند که از او تعریف بکنیم . حسابی اعصابم خراب شد . ولی مهندس توسلی که از نزدیک من کارهایشان را می بینم ، شاید کارهای سایر آقایان ، سایر وزراتخانه ها ، درسطح وسیع کشور است و به چشم نمی آید . ولی از ابتدایی که متصدی مسوء ولیت شهرداری تهران شد ، هر روز یک عمل مشتبی انجام داد . شوراها را تشکیل داد ، مسایل سازندگی و زمین هاواینها را بررسی کردند ، ایتم را همان شاء الله سروصورت خواهد داد که از مشکلات ماست ، بچه های بی سرپرست .

کارهای مردم را باید به دست مردم داد

همانطوری که وصیت قرآن است و وصیت امیر المؤمنین است . ایشان مفصل صحبت کردند و بیشتر درباره دادن کارها به دست مردم که نماینده هایشان اغلب در اینجا حاضرند ، صحبت کردند . این مردم حسن نیت دارند . این مردم صمیمت دارند ولی هنوز با ورنمی کنند که اینها در سرنوشت شان باید دخالت کنند . اگر از ابتدا در بعد از انقلاب ، ما شوراهای روستایی و شهری تشکیل می دادیم و از میان مردم ناشناخته ، چهره های فعال ، چهره های صادق ، چهره های با حسن نیت ، چهره هایی که استعدادهایشان شناخته نشده بود ، می آمدند . حالا کارهای ما طور دیگری شده بود . ما همماشگاه را به گردن این و آن می اندازیم و گاهی هم به جای اینکه پیشگیری کنیم قضايا را ، پسگیری می کنیم ، حادثه ای که پیش آمد می گوئیم چه بکنیم ؟ این را "اجمالا" عرض می کنم نمی خواهم توضیح بدhem ، باید پیشگیری کرد حوادث را ببینیم مردم چه می خواهند ، ما می گوئیم : مردم ! انقلاب اسلامی شده و همه شما مسلمانید و توده های مردم بودند توی این خیابانها که خون

دادند. احزاب هم نبودند. از صرف ما هم کم بودند، این حزب‌های پر ادعا هم نبودند، همین مردم جنوب شهر بودند. همین مردمی که از سر و کلهء ماشین من بالا می‌روند، خیال می‌کنند ماشین من حاجت بده هست، خیال می‌کنند امامزاده‌است، با همه‌ها حساسات از زنجیرهای ماشین من می‌خواهند. اینها مردمی هستند که باید به حساب بیایند و در تهران باید در مورداين مسئله به همت رفقاء شهرداری ما، و شهردار ما پیش رفت که امیدواریم بیشتر پیشرفت بکنید و همین مردم شهرشان را اداره بکنند و همین مردم روی وظیفه شرعی ترافیکشان را اصلاح بکنند. مسئله ترافیک مسئله مشکلی است در این شهر و عوارض و مصائبش را نمی‌توانیم به حساب نیاوریم. چرا اینطور شد؟ برای اینکه اولاً "از یک طرف اشتهای این مردم را تیز کردن" که همه باید ماشین داشته باشند.

آن بیچاره کارمند جزء دولت یا آن کارگری که خانه ندارد، فرش ندارد، طوری تشویق و ترغیب، برای مصرف کالاهای کارخانجات اجانب و بیگانه‌هاست که دارند هی ماشین می‌سازند، ماشین زیاد شد، بعد هم خیابان‌ها شلوغ، و بعد هم ماشین‌ها برای رسیدن به مقاصد، بجای اینکه ده دقیقه برسند یک ساعت می‌رسند، یعنی یک ساعت استهلاک ماشین، یک ساعت تلف شدن نیروهای انسانی، بعد هم عصبانی شدن، ناراحت شدن، مردم به جان هم افتادن این بهسر آن زدن، او بهسر این زدن، دستگاه طاغوت هم همین رامی خواست هم مصرف کننده باشی، هم عصبانیت‌ها را بسرهدیگر مصرف کنیم، هم نیروها تلف بشود، کارها فلچ شود. این همان چیزی است که نظام استبدادی می‌خواست. و این بلای ترافیک است که گاهی واقعاً "من خودم وقتی گرفتار می‌شدم، بیچاره می‌شدم، توی ماشین، توی هوا گرم". این چیزی است که خود مردم، البته شهرداری هم باید برنامه داشته باشد، همدیگر را سوار کنند، کمک کنند، مقید نباشند که حتماً ماشین شخصی سوار بشوند، اتوبوس سوار شوند، شهرداری هم اتوبوس در

اختیارشان بگذارد، به کارهای اشان هم برسند.

در دنیاهای دیگری هم که انقلاب کردند، دنیای هشتاد میلیونی جمعیتی به اندازه ایران چهل میلیون ماشین ندارند، بادوچرخه این طرف، آن طرف می‌روند، هوای آزاد هم تنفس می‌کنند، مصرف هم کم دارند. چرا ما چیزهای خوب را نباید از دنیا بگیریم و بفهمیم؟ چه اشکالی دارد همین چند روزه همه مردم ماشین‌ها را بگذارند کار و دوچرخه تهیه کنند، هم پا می‌زنند، هم تنفس می‌کنند، هم هوای شهر آزاد می‌شود. اینها را که دیگر می‌توانیم چرا نمی‌کنیم؟

مسئله فرهنگ مسائله‌ای است که الان جا کم داریم، وسائل نیست، مردم می‌توانند جا بدند، خانه بدند، زمین بدند. وزارت آموزش و پرورش هم زمین تهیه نکند. هر کس هم سواد دارد محض رضای خدا، لازم نیست حتماً "مزد بگیر باشد، بباید درس بدده بهاین مردم" ، این می‌شود فرهنگ عمومی، این می‌شود فرهنگ اسلامی.

ما نمی‌دانیم مسائل بھاین روشنی چرا دور خودمان دائماً می‌پیچیم. وحساب‌ها از دستمان در رفته‌است. این مسئله انتخابات‌اجمن‌های ولایتی و ایالتی که هفتاد سال پیش، در قانون اساسی قبل بود، بعد از انقلاب ما هنوز عملی نشده است، هنوز لیث و لعل می‌کنیم. برای چی؟ اگر یک‌دهی، مردمش انتخاب کردند دو نفر به نفر، بفرض آدم نادرستی هم بینشان بود، خوب بآجان علف باید بهدهن بز شیرین باشد، آن آدم نادرست را هم پسندیده‌اند، خیلی خوب مال خودشان است، بعد می‌دانید چقدر کارهای دولت سک خواهد شد، یک مقداری مسؤولیت‌ها برگردن آنهاست، یک مقداری کارهاروی‌جهاتی است که خودشان طرح می‌کنند، وهمینطور مسئله دادگستری، همینطور که قرآن می‌گوید که درین خودتان! خودتان قضاوت کنید و علی می‌گوید: *وَاصْلُحُوا ذَاتَ بَيْنَكُمْ* در هر دهی در هر محلی اختلافی بین اهل محل پیش می‌آید، خودشان بین

خودشان را اصلاح می‌کنند. مسلمانند، وظیفه دارند، مثل نمازخواندن.
امیرالمومنین در این خطبهٔ آخر که دیشت یک مقدار از آن را
ترجمه و بیان کردم، می‌فرماید، پیغمبر خدا می‌فرمود:
(«اَصْلَحْ ذَاتِ الْبَيْنَ اَفْضُلُ مِنْ عَامَّةِ الْمُلُوْقَ وَ الْكَيْمَ»).

علی می‌گوید از پیغمبر شنیدم که فرمود: اصلاح در میان خودتان
از همه نماز و روزه ثوابش بیشتر است.

اینها مسائلی است که هنوز به چشم ما نمی‌آید، یادتان هست که
هرچه دعا خواندید، ثواب می‌کنند این جزو ثواب‌ها نمی‌آید. دو تا برادر
دو تا همسایه یک خانواده باهم اختلاف دارند، همه کس فرق نمی‌کند، تو
چه می‌گویی، اوچه می‌گوید، حرفتار را می‌فهمید، در بینشان تفاهم ایجاد
کنید، اینها مسائلی است، به‌حال من صحبتی هم نداشتیم و آنچه در
ذهنم حرف بود، دیروز و امروز تخلیه شد.

این حالا به من تحمیل شد غیراز سخنرانی‌های نماز و خطبه و نمی‌دانم
کاخ سعدآباد و اینها از صبح که چشم باز می‌کنم، باید با مردم حرف بزنم
یا با تلفن یا تقاضا، تقاضا‌های می‌بینیم، محدود نیست، همه خانه‌های خواهند،
همه جا می‌خواهند، همه حقوق می‌خواهند، همه بهداشت می‌خواهند، این
مردمی که نا شش ماه قبل نفسشان در نمی‌آمد، حالا چطور شد، نمی‌دانم
حالا این همه تقاضاها زیاد شده، همین حالا که از این درآمدیم، جیب
من را پراز کاغذ کردند در همین محوطهٔ کوچک.

آن یکی آش را قطع کردند، آن یکی حقوق می‌خواهد، خوب
مگر اینها از قبل نبوده، خوب مقدار کمی تقاضا‌هایتان را کمتر بکنید برادر!
یک مقداری قناعت بکنید یا به قول امروزی‌ها صبر انقلابی داشته باشید!
نمی‌گوییم که احتیاجات خودتان را نخواهید، باید بخواهید، از وزارت
بهداری، باید بیمارستان طبیب و پزشک و پزشکیار بخواهید، ولی خوب نا
به‌حال نداشتم دولتها هم که نگذاشتند، هی هم می‌خواست به‌تمدن بزرگ

برسد که نرسید .

هی گفت دروازه اش نزدیک شد ، ها رسیدیم آخوش به این جار سیدیم ،
یک چند تا خیابان اسفالت کرد ، آنهم شمال شهر یک مقداری هم مونتاز
وارد کردن این در نظر آن آدم مالیخولیا سی دیوانه دروازه تمدن است .
حالداریم به آن می رسیم آن نخست وزیرش هم می گفت مگر نمی بینی ، این دروازه
تمدن است ، یک مرتبه فهمیدیم که نیم قرن ، یک قرن ، دو قرن ملت هایی
که از جهت استعداد ، سوابق فرهنگی ، سوابق دینی از ما عقب بودند ،
همه جلوافتادند همه چیز دارند ، ما داریم هنوز در شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله
درجا می زنیم .

بحمد الله ، شاهنشاه به آن نرسید . یک مرتبه می بینیم از دهات
هجوم می آورند به دفتر من به وزارت خانه ها ، که آب می خواهیم ، تابه حال
مگر نبود . تا به حال آب داشتند ، به هر حال ما امیدواریم که دولت ما -
که همه دوستان ما هستند و من اگر انتقاد می کنم از راه دلسوزی است و اگر
من هم می خواستم انتخاب کنم ، شاید بهتر از اینها گیرنمی آوردم ، خصوصاً " در این شرایط - خوب یک مقدار تشریفات را بگذارند کار ، بیانند توی
مردم و احتیاجات اولی مردم را بدانند به فلان وزیر می گوییم آقا ، فلان جا ،
فلان خانه را می خواهند بسازید ، می گویید آقا ما یک برنامه مفصلی داریم ،
حالا اجازه بد هید ، ما این برنامه را پیاده کنیم ، تابرنامه تان را پیاده کنید ،
مردم پدر مرا در آورده اند . هی می آیند از من خانه می خواهند و می گویند
آقا به ما وعده مسکن دادید ، پس کو مسکن ؟ ، اینها مسائلی است ، بعد هم
یک عده ای ضد انقلاب همین چیزها را بهانه می کنند ، شعارهای دهان پر
کن ، برای کارگر ، برای کشاورز ، و خیال می کنند که عده ای ، با این شعارها
ملکت درست می شود ، بعد از این فجایع ، این حوادث ، تهران ، کردستان
اینها همه ، این شهدايی که در تهران و کردستان و همه جا ، شهید شعار
هستند ، شعارهای نامربوط ، آنها شعار می دادند ، دختر و پسر و بچه های

ما مسلمانها زیر آفتاب سوزان با دهان روزه می‌رفتند درو می‌کردند . وقتی که کارها از مجرای صحیح و با سرعت انقلابی ، آنطوری که تا حدی مردم انتظار دارند ، نمی‌گوئیم که همه انتظارات مردم ، انجام نگیرد رخنه برای شعارهای مخالف و کسانی که فرصت طلب هستند ، کسانی که می‌خواهند مردم مسلط نشوند ، و تحمل کنند ، تحقیق کنند ، بوجود می‌آید ، این شعارها یک مقداری خریدار دارد .

شما نمایندگان اصناف ، نمایندگان جمعیت‌ها ، که اینجا هستید ، همه موظفید همه مسؤولید با دولت همکاری کنید ، کارهایتان را انجام بدید . نگذارید کارخانه‌ها و . . . در اطراف این شعارهای پوج و این وعده‌های دروغ و این شعارهای فریبنده ، کارگر را از کارش بازدارد ، به کارگر بفهمانید این کار برای کشور توست ، برای آینده توست ، ثواب است نه تنها ، مزد .

((تَبَارِكَ اللَّهُ الَّذِي بَيَّنَ لِلْمُلْكِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَتُلَوُّكُمْ أَيْكُمْ أَخْسَنُ عَمَلاً)) .

پژور دگار بزرگ ، عالم را آفرید ، موت و حیات را آفرید ، برای این مقصود که شما را بیازماید که روز به روز عملتان بهتر باشد ، کار بهتر :

احسن عمل»**بخاره آنلاین «طالقانی و زمانه ما**

ما وصیتمان همیشه به همه برا دران ، خواهان ، طبقات ، اصناف مختلف ، قشرها همین است که همه احساس مسؤولیت کنیم . و انتظار نداشته باشند که یک دولت بتواند همه کار را بکند ، یا از من عاجز هم کاربریاید . خودشان متکی به خودشان باشند و مسؤولیت‌هایی که در این مرحله تاریخی به عهده فرد مردم ماست ، بهتر و نیکوتر و محکم تر با واحدت و همبستگی بتوانند انجام بدهند . دعا می‌کنیم که خداوند همه ما را به راهی که رضای او و رضای خلق است و صلاح اجتماع اسلامی است هدایت کند . خداوند شهدای ما را با شهدای اولین محسور بگرداند . وحدت ما را حفظ کند .

خداؤند این شهردار ما را هم و رفقای شهرداری ما را بیشتر موفق
بگرداند.

من همینطور که آدم سرسفره، یک چیزی در ذهنم خلجان کرد،
خوب این سفره را کی تهییه کرده؟ از کجا آورده‌ای؟ آقای شهردار؟ عوض این
سفره، حالا فرض کنید هزار تومان پنج هزار تومان خرجش است. گوشه
خیابان‌های جنوب تهران را می‌توانید اسغالت بکنید بعد که سوءال کردم
مغلوم شدکه همین انجمن اسلامی دوستان ماکه در شهرداری هستند از حقوق
خودشان گذاشتند و دعوت کردند. یک همچنین آدم‌هایی یک همچنین
مردمانی به‌کمترین حقوق می‌سازند و بعد هم شب و روز دارند خدمت می‌کنند.
باید کمکشان کرد، باید تأییدشان کرد، همه شما باید تأیید کنید.

بازنگته دیگری که الان به‌خاطرم آمد چون آنطوری که آقای شهردار
بیان کردند، عده زیادی از برادران و خواهران ما از جنوب تهران، از
آن قسمت‌ها هستند، و شاید گله‌مند باشند از اینکه من چه شد که دعوت
کاخ سعدآباد را پذیرفتم و هنوز توفیق پیدا نکردم که به‌جنوب شهر بیایم،
این مسأله خود من را هم رنج می‌دهد، اولاً" من در مقابل عمل انجام شده‌ای
قرار گرفتم، اعلام کردن، بمرادیو گفتند، منهم مجبور شدم، و دیگر اینکه
از آنجا خواستیم شروع کنیم که جنوب شهری‌ها بیایند به‌شمال شهر، یک
نمونه‌ای باشد سمبولی باشد که این کاخ‌ها مال شماست، جنوب شهر که توی
خانه‌هایتان هستید، شما بیایید لاقل آنجاهای را ببینید، هم از آن هواها
استفاده کنید، هم عبرت بگیرید، هم این آیه‌ای که قرآن فرمود:

((کَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَاتٍ وَعُيُونٍ وَرُزُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينٌ)).

وقتی که امیرالمومنین علیه السلام از کاخ مداری می‌گذشت و به‌طرف

صفین حرکت می‌کرد، در آنجا توقفی فرمود و شروع کرد این کاخ را بررسی
کردن. واشخاصی از ایرانیان که آشنا بودند، ذرون کاخ را نشان می‌دادند:
یا امیرالمومنین اینجا برای مقر جلوس سلام رسمی است، اینجاها برای

حرمسراهاست اینجا برای پاسداران و سپاهیان و چنین و چنان.

امیرالموءمنین همینطور که می‌گشت، یکی از شعرا، شعری خواند که مطلعش این است: ((**هَبَّتْ رِيَاحٌ عَلَىٰ . . .**)) حضرت فرمود که این شعر جاھلیت را خواندید؟ بهجای آن این آیه را بخوان:

((**كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَاثَةٍ وَّعُيُونٍ . . .**)) عبرت بگیرید، این کاخ‌ها، این باغ‌ها، این مزارع این گلخانه‌ها، این شهرهای جاری را چطوزپشت سر گذاشتند و رفتند.

((**فَلَا يَكُنْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ**)). آن کسی که ادعا می‌کرد اگر ما برویم زمین و زمان زیر رو خواهد شد، و این کشور بهجای خود نخواهد ماند، همه تبدیل به آتش خواهد شد، رفتند، نه آسمان بر آنها گریست نه زمین بلکه مردم هم خوشحال شدند. عید گرفتند. ما برای همین رفتیم که بیایید این محل را وسیله عبرت برای همه باشد، که همه چیز زندگی و هر ساعت زندگی ما عیزت است.

امیرالموءمنین در آنجا ایستاد و دور رکعت نماز گزارد، ما هم به پیروی از علی خواستیم آنجایی که مرکز ظلم و فساد و فحشاء و توطئه و بد بختی مملکت بود و تطبیق کنیم به آیات قرآن و عبرتهای ما و امیرالموءمنین تا در فرصتی ان شاء الله بتوانیم با برادران جنوب شهرمان هم بیشتر صحبت کنیم. بیشتر تماس بگیریم.

خداآوند همه ما را موفق بدارد.

امروز هم روز قدس ما بود و این ماه مبارک رمضان واقعاً، ماه پر برکتی است، ماه مبارک همه چیزش مبارک، این همبستگی‌ها، این وحدت‌ها، این نمازها، این عبادتها، در یک خانه‌ای، چند شب قبل متعلق به یکی از خویشانمان رفتم. همسایه‌ها زن و مرد آمدند آنجا، فهمیدند آنجا هست بدیدن من آمدند، اظهار علاوه کردند، بعد از آنکه رفتند، صاحب خانه گفت آنها رامی‌شناختی؟ گفتم نه، خانم‌های مسن و بچه‌دار و جوان و دخترهای

کوچک و پسرها ، گفت آنها کسانی بودند که تا چندی قبل نه نماز می خواندند
نه روزه می گرفتند ، نه عبادت می کردند ، نه حجاب داشتند . حالا همه چیز
دارند ، هم نماز می خوانند ، هم روزه می گیرند . بچه های کوچکشان هم
دخترهای هفت هشت ساله تمام ماه رمضان روزه گرفتند .

این بی سابقه است . این اجتماعی که برای نماز جمعه است ، و
امیدواریم که در هر مکانی که نماز جمعه برپا نشده است ، برپا بشود ، ان شاء الله
ادامه پیدا کند ، و این روز قدس که روز تاریخی بود از نظر ملت ما و ملل
اسلام ، امیدواریم منشأ اشرب شود و توجه مسلمین به طرف بیت المقدس و
فلسطین بیشتر و با همدستی و هم فکری و هم زمی بتوانیم این مکتب توحید
را از نفوذ صهیونیست های خونخوار جنایت کار نجات بدھیم .

خداآوند به همه ما و شما توفیقی بدهد تا آنچه که رضایت او در
آن است به ما الهام بشود .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»